منهای فوتبال

خادم‌الشریعه در کمیسیون ورزشکاران فیده

فدراسیون جهانی شطرنج طی اطلاعیه‌ای از ترکیب کمیسیون ورزشکاران فیده خبر داد و از بابت اعلام افراد حاضر در ترکیب کمیسیون تازه تاسیس، ابراز خوشحالی کرد. در بین این اعضا، نام سارا خادم‌الشریعه بانوی یک شطرنج ایران دیده می‌شود که به عضویت این کمیسیون تازه تاسیس در آمده است. طبق تصمیمات شورای فدراسیون جهانی شطرنج، ۹ کاندیدای اعلام شده بدون رای‌گیری به این کمیسیون راه پیدا کردند. در کنار این ۹ عضو که برای این پست کاندیدا شده بودند، شورای فیده تصمیم گرفت چهار شطرنج‌باز دیگر هم به این کمیسیون اضافه کند. شورای فیده حق انتخاب دو عضو دیگر را برای خود محفوظ می‌داند تا در مجموع ۱۵ نماینده از بازیکنان طبق مقررات انتخاب شوند. دوره انتصاب اعضای این کمیسیون چهار ساله خواهد بود اما به طور استثنایی در این دوره کاندیداها تا دو سال (سال ۲۰۲۲) در این کمیسیون فعالیت خواهند کرد.

وکیل: رای CAS به نفع جودوی ایران است!

امیرساعد وکیل در خصوص جزییات پرونده رفع تعلیق جودوی کشورمان عنوان داشت: «سوالاتی در مورد رای دیوان داوری ورزش در پرونده رفع تعلیق فدراسیون ایران مطرح شده است. نکته اول این که کمیته انضباطی فدراسیون جهانی اعلام کرده بود که ایران از شرکت در مسابقات بین‌المللی مادام‌العمر تعلیق می‌شود؛ مگر در صورت یک سلسله شرایط که در نظر گرفته شده بود تا بعد در مورد رفع تعلیق بررسی و تصمیم‌گیری شود. در رای اخیر دیوان داوری ورزش به طور کاملا صریح و مستقیم تصمیم فدراسیون جهانی مبنی بر تعلیق فدراسیون ایران باطل شناخته می‌شود و اساسا اعتبار حقوقی برای این تصمیم متصور نباید باشیم.»

وی افزود: «سوالی مطرح می‌شود که چرا دیوان داوری ورزش دوباره این پرونده را به کمیته انضباطی فدراسیون جهانی ارجاع داده است. ماده ۵۷ مقررات دادرسی دیوان داوری ورزش تصریح می‌کند، زمانی که هیات داوران با یک پرونده‌ای روبه‌رو می‌شود در این پرونده این هیات می‌تواند یا مستقلا تصمیم‌گیری کند یا کلا ضمن ابطال رای قبلی صادره، آن را به مرجع تصمیم‌گیرنده ارجاع دهد تا دوباره تصمیم بگیرد.» وکیل ادامه داد: «تخلف انتصابی به فدراسیون ایران در مقررات انضباطی فدراسیون جهانی مصداقی ندارد و مجازاتی هم در این مقررات پیش‌بینی نشده است. پس بنا بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نمی‌توانیم مبنای قانونی و حقوقی مشروعی را برای تصمیم فدراسیون جهانی قائل باشیم. بدین ترتیب دیوان داوری ورزش این امکان را نداشت بر پایه مقررات فدراسیون جهانی خودشان تصمیم‌گیری کنند و به همین دلیل این پرونده را به کمیته انضباطی ارجاع دادند.»

وی در مورد اینکه باید فدراسیون ایران هزینه پنج هزار فرانکی را برای دادرسی در دادگاه CAS پرداخت کند، یادآور شد: «هرگز به این معنا نیست که فدراسیون به عنوان طرف بازنده شناخته شده است. بر اساس بند سه ماده ۶۵ مقررات دادرسی دادگاه حکمیت ورزش در خصوص پرونده‌های انضباطی، فقط هزینه‌های دفتری و اداری CAS از شاکی پرونده اخذ می‌شود. دو ملاک برای اینکه کدام یک از طرفین دعوا باید این مبلغ را بپردازد در نظر گرفته می‌شود. ملاک اول منابع مالی طرفین است که فدراسیون‌های بین‌المللی به لحاظ اینکه منابع کاملا مشخصی بر اساس بودجه سالیانه‌شان دارد. بنابراین این مبلغ به کسی که شکایت کننده بود در نظر گرفته می‌شود.» وی ادامه داد: «پرونده اول در ارتباط با همین پرونده بود اما به لحاظ اینکه زمان زیادی طول کشید تا فدراسیون جهانی رای تجدیدنظر خودش را هم بدهد، مجبور شدیم پرونده دوم را مطرح کنیم و این دو پرونده در کنار هم تلفیق شد و مورد بررسی قرار گرفت. چون دیوان پرونده اول را رد کرد و در پرونده دوم فدراسیون را صاحب حق شناخت و بر همان مبنا رای فدراسیون جهانی را نقض کرد. به واسطه همان رد شدن پرونده اول، این مبلغ پنج هزار فرانک باید از سوی فدراسیون جودوی ایران پرداخت شود. باور کنید این پرونده، به نفع فدراسیون صادر شده و قطعا باید به عنوان پیروزی حقوقی تلقی کنیم.»

«ای کاش...»هایی برای محمود فکری

ناامیدی در ۱۶ هفته!

آریا طاری

بازی با مس رفسنجان، عملا آخرین فرصت محمود فکری برای حفظ جایگاهش بود. وقتی این فرصت هم به سادگی از دست رفت، دیگر نمی‌شد انتظار داشت که این مربی جایی روی نیمکت استقلال داشته باشد. سرمربی همان تیمی که در شروع فصل با شکست دادن مسی‌ها طلسم نبردن در هفته‌های ابتدایی را برای آبی‌ها پس از چند سال باطل کرده بود، حالا پس از روبه‌رو شدن با این رقیب ناچار به ترک باشگاه است. به نظر می‌رسد استراتژی فکری از همان ابتدا هم بی‌نهایت «اشتباه» بوده است. او با چندقدم بد، آینده مربیگری‌اش را به شدت تحت تاثیر قرار داد.

ویرانی؛ از پاییست!

اولین مشکل بزرگ محمود فکری، اساسا نحوه انتقالش به استقلال بود. او به محض دریافت پیشنهاد از این باشگاه طوری عنان اختیار را از کف داد و آنقدر ذوق‌زده ظاهر شد که هواداران آبی تصور کردند او برای سال‌ها منتظر چنین پیشنهادی بوده و این آمادگی را داشته که برای قبول این پیشنهاد، از هر پروژه دیگری عبور کند. فکری با این همه ابراز علاقه مستقیم و حتی اشاره به فروش خانه‌اش برای دریافت رضایت نساجی، به نوعی پرستیژ کاری‌اش را زیر سوال برد. شاید اگر او کمی صبر به خرج می‌داد و این چنین برای پیوستن به استقلال دست و پا نمی‌زد، باشگاه به شکل جدی‌تری به سراغش می‌آمد و رضایت نساجی را هم می‌گرفت اما در بین هواداران، بازیکنان و مدیران استقلال، این باور به وجود آمد که فکری به هر قیمتی از راه خواهد رسید و پای هر قراردادی را هم امضا خواهد کرد. در حقیقت این پروژه حتی از همان ابتدا هم با استراتژی نادرستی شروع شد. با یک مربی ذوق‌زده که آماده بود تا به شکل عجیبی اعتبارش را زیر سوال ببرد.

قربانی کلمه‌ها

شاید محمود فکری نداند اما کلمه‌ها در فوتبال، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. همین کلمه‌ها هستند که می‌توانند اهمیت یک مربی را در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز نشان بدهند. شاید محمود فکری نداند اما حالا دیگر به لطف گسترش شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند، هیچ کلمه‌ای نیست که در زمین فوتبال «دفن» شود. عبارتی که او پس از شکست روبه‌روی فولاد علیه کادر فنی حریف به کار برد، خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی وایرال شد. با این حال فکری می‌توانست این ماجرا را با یک عذرخواهی سریع، جمع کند و جلوی بزرگ‌تر شدنش را بگیرد اما او روش دیگری را انتخاب کرد و تا مدت‌ها بخشی از تمرکزش را به «توجیه» همین اتفاق گره زد. اگر او کمی باهوش‌تر عمل می‌کرد، این مساله برای استقلال دردسرساز نمی‌شد اما مقاومت عجیب فکری مقابل عذرخواهی در یک بازه زمانی طولانی، استقلال را در معرض حواشی مختلفی قرار داد.

طلاق عاطفی!

مساله مهم بعدی در مورد محمود فکری، ضعف او در کنترل رختکن استقلال بود. یعنی این مربی به راحتی نمی‌توانست بازیکنان تیم را مدیریت کند. مثل روز روشن به نظر می‌رسید که اگر رشید مظاهری و سیدحسین حسینی در یک تیم باشند، حاشیه‌های زیادی بین آنها شکل خواهد گرفت. فکری اما حاضر به فروش حسینی در تابستان نشد و هر دو سنگربان را در کنار هم حفظ کرد. حواشی هم خیلی زود از راه رسیدند و تیم را تحت تاثیر قرار دادند. تکلیف فکری اساسا با مهره‌های اخراجی‌اش هم روشن نبود. فرشید باقری هر چند هفته یک بار از تیم او اخراج می‌شد و دوباره به استقلال برمی‌گشت. فقط در تیم «فکری»، کاپیتان با یک عصبانیت ساده دستور تعویض خودش را می‌داد و از ورزشگاه می‌رفت و مهدی قایدی پس از چندین روز غیبت در تمرین، ناگهان در ترکیب اصلی تیم آفتابی می‌شد. فقط در تیم فکری بازیکنان دست به هر رفتاری می‌زدند و بدون هیچ مشکلی دوباره در استقلال به میدان می‌رفتند. این مربی عملا هیچ‌وقت با ستاره‌های خارجی تیمش هم کنار نیامد. او از همان شروع فصل با شیخ دیاباته به مشکل خورد و پس‌لرزه‌های این اتفاق تا پایان دوران کار در باشگاه همراهش بود. فکری ظاهرا بازی میلیچ را هم نمی‌پسندید و این موضوع مدافع چپ آماده و گل‌زن استقلال را از این تیم گرفت. حالا که فکری تیم را ترک کرده، میلیچ هم دوباره آماده بازگشت به باشگاه شده است. ظاهرا این بازیکن از مدت‌ها قبل، در انتظار چنین خبری بوده است. معلوم است که بین فکری و مهره‌های تیمش، نوعی طلاق عاطفی جریان داشته است. بازیکنان به ویژه در روزهای اخیر، به هیچ قیمتی برای فکری بازی نمی‌کردند و حاضر نبودند برای ماندن او در تیم‌شان دست به هر کاری بزنند. البته که بعضی از نفرات تیم، دیدگاه‌های‌شان را با صدای بلند با دیگران در میان نمی‌گذاشتند و در ظاهر حامی جدی فکری بودند اما وقت «عمل» تقریبا همه بازیکنان علیه این مربی جبهه داشتند. این وضعیت در نهایت به ضرر او تمام شد. چرا که وقتی رابطه یک مربی با بازیکنان خدشه‌دار شود، دیگر هیچ امیدی به بهبود اوضاع وجود ندارد.

جنس مصاحبه‌های فکری، از جنس مصاحبه‌های مربیان بزرگ نبود. چرا که او کم‌تر از مسائل فنی صحبت می‌کرد و بیشتر به سراغ چند جمله تکراری در مورد «اتاق فکر»، دست‌های پشت پرده و توطئه علیه خودش می‌رفت

این بازی را بلد نبودی حاج محمود

محمود فکری در دوران بازی‌اش هم خیلی رسانه‌ای نبود و نمی‌دانست باید چه برخوردی با رسانه‌ها از خودش نشان بدهد. در دوران مربیگری استقلال اما دیگر راه فراری وجود نداشت و او باید به هر قیمتی روبه‌روی دوربین‌ها قرار می‌گرفت. به نظر می‌رسد فکری پس از مدتی به این اتفاق علاقه‌مند شد و دیگر روزی نبود که او یک مصاحبه جنجالی جدید انجام ندهد. جنس مصاحبه‌های فکری، از جنس مصاحبه‌های مربیان بزرگ نبود. چرا که او کم‌تر از مسائل فنی صحبت می‌کرد و بیشتر به سراغ چند جمله تکراری در مورد «اتاق فکر»، دست‌های پشت پرده و توطئه علیه خودش می‌رفت. تکرار هزارباره این جملات دیگر حسابی ذهنیت هوادارها را علیه فکری شورانده بود. تیر خلاص هم وقتی از راه رسید که این مربی در واکنش به یک سوال ساده، سالن کنفرانس خبری را ترک کرد. فکری در شرایط عادی، کنترل‌شده رفتار می‌کرد اما همین که یک نتیجه نامطلوب را پشت سر می‌گذاشت، زمین و زمان را به هم می‌دوخت و عالم و آدم را «متهم» می‌کرد. همین نپذیرفتن مسئولیت‌ها، یکی از دلایلی بود که موجب شد خیلی‌ها در استقلال اعتمادشان را نسبت به این مربی از دست بدهند.

تنهایی خودخواسته

داستان فکری و استقلال نوعی «تنهایی پرهیاهو» بود. او افراد بسیار زیادی را کنار خودش جمع کرد اما نتوانست به خوبی از آنها استفاده کند. بدون شک اگر فکری به سراغ یک کادر فنی قدرتمندتر می‌رفت، شانسش برای موفقیت در استقلال چندبرابر می‌شد. این مربی اما تصمیم گرفت راه دیگری را برای خودش در نظر بگیرد و به سراغ افرادی برود که شاید اسم‌های بزرگی داشته باشند اما به لحاظ فنی، قابلیت خاصی ندارند. نیمکت استقلال در این فصل، بیش از حد شلوغ بود و این میزان از آشفتگی به وضوح از کادر بیرون می‌زد. استقلال با این ترکیب روی نیمکتش، به جایی نمی‌رسید. چرا که همه این افراد در یک راستا قدم برنمی‌داشتند و تصور می‌کردند هر کدام به تنهایی می‌توانند گره از کار تیم باز کنند. فکری در استقلال به نوعی درگیر تنهایی بود اما نمی‌توان این تنهایی را یک اجبار برای او دانست. چرا که این کار به صورت «خودساخته» برای او صورت گرفت. فکری می‌توانست در انتخاب دستیارها، دقت بیشتری به خرج بدهد و ترکیب مطلوب‌تری را برای نیمکتش انتخاب کند اما این کار را انجام نداد و چوبش را هم خورد.

داستان فکری و استقلال نوعی «تنهایی پرهیاهو» بود. او افراد بسیار زیادی را کنار خودش جمع کرد اما نتوانست به خوبی از آنها استفاده کند. بدون شک اگر فکری به سراغ یک کادر فنی قدرتمندتر می‌رفت، شانسش برای موفقیت در استقلال چندبرابر می‌شد

داستان ماشین آبی

فکری باشگاه استقلال را با همان ماشین آبی معروفش ترک کرد. دنیا، دنیای کوچکی است. یک روز هواداران نساجی در اعتراض به جدایی فکری، شیشه‌های این ماشین را خرد کردند و حالا استقلالی‌ها می‌خواستند در عصبانیت نسبت به عملکرد فکری، چنین کاری انجام بدهند. فکری با عجله بیش از حد برای پیوستن به استقلال، هم خودش را در بین نساجی‌چی‌ها خراب کرد و هم بلیتش را در بین طرفداران استقلال سوزاند. او می‌توانست این جابه‌جایی را در یک زمان درست‌تر انجام بدهد اما زمان‌سنجی‌اش اصلا مطلوب از کار درنیامد و آینده مربیگری‌اش تحت‌الشعاع قرار گرفت. استقلال فکری هنوز هم مدعی قهرمانی لیگ برتر است اما واضح بود که آبی‌ها با او به لحاظ فنی در مسیر درستی قرار نگرفته‌اند و آینده روشنی ندارند.

اتفاق روز

همه مربیان «کوتاه‌مدت» استقلال در تاریخ لیگ برتر

از امیر تا محمود

آریا رهنورد

تنها پس از ۱۶ مسابقه، دوران حضور محمود فکری در باشگاه استقلال به پایان رسید. محمود هم به یکی از مربیان کوتاه‌مدت تیم در تاریخ لیگ برتر تبدیل شد. مردی که در ظاهر انگیزه‌های زیادی برای رسیدن به موفقیت با استقلال داشت اما به نظر می‌رسد از آمادگی لازم برای این کار برخوردار نبود. قبل از فکری هم چهره‌های متعددی چنین تجربه‌ای را پشت سر گذاشته بودند. مربیانی که تنها چند ماه برای درست کردن اوضاع استقلال زمان داشتند اما از پس این کار برنیامدند تا نیمکت این تیم را از دست بدهند.

امیر قلعه‌نویی

پس از ناکامی استقلال در مسیر قهرمانی اولین دوره لیگ برتر، امیر قلعه‌نویی به صورت موقت جانشین منصور پورحیدری شد و قهرمانی جام حذفی را با این باشگاه جشن گرفت. او در فاصله خرداد تا تیر ۸۱ سرمربی استقلال بود و در این مدت تنها پنج مسابقه را پشت سر گذاشت.

رولند کخ

سرمربی آلمانی پس از قلعه‌نویی به عنوان مربی دائم آبی‌ها انتخاب شد اما در فوتبال ایران، روزهای موفقیت‌آمیزی را تجربه نکرد و هرگز به مربی محبوب هواداران باشگاه تبدیل نشد. کخ چیزی حدود هفت ماه سرمربی آبی‌های پایتخت بود و در این مدت، مجموعا ۲۸ بازی را پشت سر گذاشت. پس از برکناری کخ، جواد زرینچه و منصور پورحیدری در یک بازه زمانی بسیار کوتاه به عنوان سرمربی موقت تیم در نظر گرفته شدند. با این حال واضح به نظر می‌رسید که باشگاه به دنبال مربیان دیگری است. امیر قلعه‌نویی انتخاب نهایی باشگاه برای این مقطع بود و در چند فصل متوالی هم روی نیمکت آبی‌ها دوام آورد.

ناصر حجازی

آخرین مقطع مربیگری ناصرخان در استقلال، اصلا امیدوارکننده نبود. حجازی تیرماه ۱۳۸۶ سرمربی استقلالی‌ها شد و در آبان همان سال و پس از سپری کردن تنها ۱۵ مسابقه، شغلش را از دست داد. به نظر می‌رسید بعضی از مهره‌های تیم، عملا برای این مربی بازی نمی‌کنند. تیم حجازی در این ۱۵ مسابقه ۶ بار برنده شد و چهار بار نیز طعم شکست را چشید.

فیروز کریمی

برخلاف انتظارها، دوران مربیگری فیروز در استقلال هم به شدت کوتاه بود. او آبان ۸۶ به جای حجازی روی نیمکت باشگاه قرار گرفت و اردیبهشت سال بعد، نیمکت استقلال را ترک کرد. تمرین دادن او به مهره‌های بازنده تیم پس از یک شکست خانگی، هنوز هم یکی از عجیب‌ترین قاب‌های آبی در تاریخ لیگ برتر به شمار می‌رود.

فیروز در ۲۱ بازی به عنوان سرمربی استقلال، فقط ۶ بار برنده شد و روزهای دلچسبی را در این تیم پشت سر نگذاشت.

فرهاد مجیدی

فرهاد که به نوعی استاد تحویل گرفتن استقلال در میانه‌های فصل و در شرایط بحران است، اولین بار در اردیبهشت ۹۸ در این تیم جانشین وینفرد شفر شد. مجیدی مدتی را نیز به عنوان دستیار این مربی آلمانی فعالیت کرده بود و روی نیمکت باشگاه حضور داشت. پس از برکناری ناگهانی شفر، فرهاد سکان هدایت تیم را در دست گرفت و روزهای سختی را نیز روی نیمکت تیم محبوبش سپری کرد. تا پایان آن فصل از لیگ برتر، فقط پنج مسابقه باقی مانده بود و تیم مجیدی در سه بازی از آن پنج نبرد برنده شد. او تا پایان فصل حتی یک شکست را هم روی نیمکت تیم تجربه نکرد اما مدیران وقت باشگاه تصمیم گرفتند به سراغ گزینه دیگری بروند و یک مربی خارجی را روی نیمکت‌شان قرار بدهند.

آندره آستراماچونی

در فاصله خرداد تا آذر سال ۹۸، خیال هواداران استقلال از نیمکت تیم‌شان راحت بود. چرا که تیم استراماچونی فوتبال خوبی بازی می‌کرد، به لحاظ هجومی فوق‌العاده بود و توانسته بود خودش را به عنوان یک تیم مدعی به اثبات برساند. استراماچونی در لیگ برتر و جام حذفی، ۱۵ بار روی نیمکت آبی‌ها نشست و ۹ پیروزی و دو شکست را تجربه کرد. باختن به ماشین‌سازی در هفته اول لیگ و شکست در دربی، خاطره‌های نگران‌کننده‌ای برای این مربی بودند اما او به تدریج خودش را پیدا کرد. با این حال شرایط خاص باشگاه، موجب شد آندره آقیدا دامه حضور در فوتبال ایران را بزند و ناگهان به کشورش برگردد. آبی‌ها باور دارند که اگر این اتفاق رخ نداده بود، تیم‌شان می‌توانست قهرمان لیگ برتر نوزدهم شود.

فرهاد مجیدی

فرهاد برای دومین بار، سرمربی استقلال شد و این بار به اندازه یک نیم‌فصل در باشگاه دوام آورد. او موفق شد آبی‌ها را به فینال جام حذفی هم برساند اما عملا قبل از برگزاری آن مسابقه، از سمتش استعفا داده بود. شکست در آن بازی به آخرین تجربه مجیدی روی نیمکت باشگاه تبدیل شد.

مجید نامجومطلق

پس از کنار رفتن مجیدی، مدیران وقت باشگاه این چهره را به عنوان سرمربی تیم در لیگ قهرمانان آسیا در نظر گرفتند. از همان ابتدا هم اما واضح به نظر می‌رسید که نامجو در لیگ برتر بیستم، سرمربی استقلالی‌ها نخواهد بود. او پس از پایان لیگ قهرمانان، جایش را به محمود فکری داد.